

\*\*\*

﴿احلّ لكم ليلة الصيام الرّفث إلى نساءكم هنّ لباس لكم وأنتم لباس لهنّ علم الله أنّكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم وعفا عنكم فالآن باشروهنّ وابتغوا ما كتب الله لكم وكلوا واشربوا حتّى يتبيّن لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر ثمّ أتموا الصيام إلى اللّيل ولا تباشروهنّ وأنتم عاكفون في المساجد تلك حدود الله فلا تقربوها كذلك يبيّن الله آياته للناس لعلّهم يتقون﴾ (۱۸۷).

روا شد بر شما در شبِ روزهی رمضان آمیزش با زنانتان، ایشان برای شما جامه پارسائی اند و آزر و شما برای آنان پوشاک پاک دامنی و شرم، خدای به دانست که همانا شما به شخص خود خیانت می‌ورزید، پس به سویتان باز گشت و توبه پذیرفت و از شما درگذشت، لذا هم اکنون با زنان خود هم بستری کنید و آنچه را خداوند بر شما واجب کرده جويا شوید و بخورید و بیاشامید تا این که رشته‌ی سفید [روز] از دامن سیاه [شب] که سپیده دم بامدادی است پدید آید [صبح صادق] آن گاه روزه را تا به آغاز شام پایان ببرید، و با زنان نیارمید حال آن که در مساجد معتکف باشید، این است مرزهای خدائی پس به آنها نزدیک نشوید، این گونه خدای نشانه‌های خود را برای مردمان روشن می‌کند تا این که آنان خویشتن‌دار شوند.

## لغت

**«رفث»:** در لغت گفتار زشت و ناپسند و در این جا مراد را آمیزش و هم بستری با زنان گفته‌اند، که به صورت کنایه آمده است.

**«لباس»:** آنچه که بر تن پوشند، پوشاک، پوشش، جامه؛ ستر عورت؛ حیا و شرم؛ در اینجا همان گونه که لباس بدن آدمی را می‌پوشاند زن مرد را و مرد زن را از اعمال

---

→ آجلا، أو صرف عنك لما هو خير لك. فلرب أمر قد طلبته فيه هلاك دينك لو أوتيته. فلتكن مسألتك فيما يبقى لك جماله وينفى عنك وباله. فالمال لا يبقى لك ولا تبقى له. نهج البلاغة، خطب الامام علی (ع)  
ص ۴۸، ۳.





منافی عفت چون زنا و چشم چرانی و غیره می پوشاند و محفوظ می دارد، ظاهراً بدین جهت در آیه مرد لباس زن و زن لباس مرد قلمداد شده است و زن بی مرد و مرد بی زن در حکم انسان عریان است یا چون زن و شوهر نزدیک هم اند مانند این است که لباس یکدیگرند و همان گونه که لباس مماس بدن است زوج و زوجه غالباً در حال تماس با یک دیگرند. و پیوسته در معرض آن است که مبادرت به آمیزش نموده هم بستر شوند.

**«مباشرت»:** آرامیدن با زن، کام گرفتن، همبستری کردن.

**«خیانت»:** غدر و مکر؛ نقض عهد و پیمان؛ بی وفائی و کمک به حرامی؛ نادرستی بی دیانتی؛ دزدی؛ بی عصمتی، زنا کاری؛ دغلی و دغلکاری؛ تصرف در مال امانت در جهتی که مخالف مقصود امانت گذار است و «اختیان» که از همان ماده است به همین معانی. و برخی گفته اند: به معنی نقص و کاستن نیز آمده است.

**«ابتغاء»:** جستجو کردن، خواستار شدن، طلب کردن.

**«خیط»:** رشته، سلك.

**«ابيض»:** سفید.

**«اسود»:** سیاه.

**«فجر»:** آب راندن؛ سفیدی آخر شب، سپیدی و روشنی آفتاب در سیاهی شب [صبح صادق].

**«عاکف»:** مقیم شونده، کسی که در مسجد یا جای دیگر برای عبادت مقام گزیند، گوشه گیرنده برای طاعت و عبادت.

**«حدود»:** اندازه ها، کرانه ها، مرز ها، روش ها، سامانها.

**«قرب»:** نزدیک شدن؛ نزدیکی.

### [در بیان محرّمات صوم در ابتدای تشریح آن]

در تفسیر فخر رازی است که جمهور مفسرین گفته اند: در آغاز شریعت رسول اکرم دستور چنین بوده که هنگام افطار شخص روزه دار تا وقتی نخوابیده و نماز عشاء را



منافی عفت چون زنا و چشم چرانی و غیره می پوشاند و محفوظ می دارد، ظاهراً بدین جهت در آیه مرد لباس زن و زن لباس مرد قلمداد شده است و زن بی مرد و مرد بی زن در حکم انسان عریان است یا چون زن و شوهر نزدیک هم اند مانند این است که لباس یکدیگرند و همان گونه که لباس مماس بدن است زوج و زوجه غالباً در حال تماس با یک دیگرند. و پیوسته در معرض آن است که مبادرت به آمیزش نموده هم بستر شوند.

**«مباشرت»:** آرامیدن با زن، کام گرفتن، همبستری کردن.

**«خیانت»:** غدر و مکر؛ نقض عهد و پیمان؛ بی وفائی و کمک به حرامی؛ نادرستی بی دیانتی؛ دزدی؛ بی عصمتی، زنا کاری؛ دغلی و دغلکاری؛ تصرف در مال امانت در جهتی که مخالف مقصود امانت گذار است و «اختیان» که از همان ماده است به همین معانی. و برخی گفته اند: به معنی نقص و کاستن نیز آمده است.

**«ابتغاء»:** جستجو کردن، خواستار شدن، طلب کردن.

**«خیط»:** رشته، سلك.

**«ابيض»:** سفید.

**«اسود»:** سیاه.

**«فجر»:** آب راندن؛ سفیدی آخر شب، سپیدی و روشنی آفتاب در سیاهی شب [صبح صادق].

**«عاکف»:** مقیم شونده، کسی که در مسجد یا جای دیگر برای عبادت مقام گزیند، گوشه گیرنده برای طاعت و عبادت.

**«حدود»:** اندازه ها، کرانه ها، مرز ها، روش ها، سامانها.

**«قرب»:** نزدیک شدن؛ نزدیکی.

### [در بیان محرّمات صوم در ابتدای تشریح آن]

در تفسیر فخر رازی است که جمهور مفسرین گفته اند: در آغاز شریعت رسول اکرم دستور چنین بوده که هنگام افطار شخص روزه دار تا وقتی نخوابیده و نماز عشاء را



نخوانده خوردن و آشامیدن و آمیزش با زنان برایش حلال بود، ولی به مجرد بر گذاری نماز عشاء یا خوابیدن دیگر هر موقع شب بر می خواست تا هنگام افطار شب بعد اجازه بهره وری از هیچ يك [را] نداشت و اقدام به هر سه مورد محرم بوده.<sup>۱</sup>

از امام صادق علیه السلام در همین باره نقل است<sup>۲</sup> که فرمود: تنها خواب موجب حرام شدن این جهات بوده نه انجام نماز عشاء تا این که آیه فوق نازل گردید.

### [اشاره به شأن نزول آیه]

در مورد شأن نزول گفته اند:

مردی سالمند به نام ابن جمیر روز ماه رمضان در حفر غزوه ی خندق به فعالیت مشغول بود، شب که برای افطار به خانه رفت غذا آماده نبود، تا مادامی که حاضر شود پیرمرد از فرط خستگی خوابش در ربود، چون از خواب بیدار شد از خوردن غذا امتناع نمود، روز بعد که برای کندن خندق به محل حاضر گشت در حین کار و کوشش سستی و ناتوانی به نحوی بر او عارض شد که حضرت در باره اش رقت فرمود.<sup>۳</sup>

و نیز نقل است که: «برخی از افراد جوان به شب در ماه مبارك رمضان گاه با

۱. مفاتیح الغیب، ج ۵، ص ۲۶۷.

۲. فإنه حدثني أبي رفاعه [ارفعه] قال: قال الصادق عليه السلام كان النكاح و الأكل محرمان في شهر رمضان بالليل بعد النوم، يعني كل من صلى العشاء و نام و لم يفطر ثم اتبه حرم عليه الإفطار و كان النكاح حراما في الليل و النهار في شهر رمضان، و كان رجل من أصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله يقال له خوات بن جبير الأنصاري أخو عبد الله بن جبير الذي كان رسول الله صلى الله عليه و آله و كله بضم الشعب يوم أحد في خمسين من الرماة، ففارقه أصحابه و بقي في اثني عشر رجلا فقتل على باب الشعب، و كان أخوه هذا خوات بن جبير شيخا كبيرا ضعيفا و كان صائما مع رسول الله صلى الله عليه و آله في الخندق فجاء إلى أهله حين أمسى فقال: عندكم طعام فقالوا: لا، ثم حتى نصنع لك طعاما فأبطأت أهله بالطعام فنام قبل أن يفطر فلما اتبه قال لأهله قد حرم الله على الأكل في هذه الليلة فلما أصبح حضر حفر الخندق فأغمى عليه، فرآه رسول الله صلى الله عليه و آله فرق له، و كان قوم من الشباب ينكحون بالليل سرا في شهر رمضان فأنزل الله عز وجل ﴿أحل لكم ليلة الصيام الرفث إلى نسائكم هن لباس لكم و أنتم لباس لهن علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم و عفا عنكم فالآن باشروهن و ابتغوا ما كتب الله لكم و كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر ثم أتموا الصيام إلى الليل﴾ و أحل الله تبارك و تعالی النكاح بالليل في شهر رمضان و الأكل بعد النوم إلى طلوع الفجر لقوله: ﴿حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر﴾ قال: هو بياض النهار من سواد الليل. تفسير القمي، ج ۱، ص ۶۶، ح ۶، ۱۴.

۳. نفس المصدر.



همسران خود پس از بیداری از خواب و قبل از طلوع فجر می‌آرامیدند<sup>۱</sup> که این عمل بر حسب نقل روایاتی تحریم شده بود.

### [آیه و احلال موارد فوق]

لذا این آیه ناظر به احلال این موارد است که فرمود:

﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ﴾ (۱۸۷).

برای شما اجازه داده شد در شب روزه داری آرامیدن با همسرانتان.

«رفث» که در لغت به معنی سخن زشت و ناستوده است در آیه به خاطر رعایت ادب به صورت کنایه در عمل همبستری آمده است و گفته‌اند: چون با حرف «الی» متعدی شده معنی افضاء، رسانیدن و وسعت دادن و کشانیدن در آن متضمن است.

﴿هَنَ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ﴾.

ایشان برای شما [به منزله] جامه‌اند و شما برای آنان [در حکم] لباس.

### [در بیان علت و حکمت احلال]

این جمله در مقام تعلیل و بیان حکمت تجویز است چه زوج و زوجه بهم نزدیک و در واقع حکم پوشاک یک دیگر را دارند و همان گونه که پوشاک آدمی در بر و مجاور تن است همسر شخص غالباً در مجاور و پهلو است و اقتضای آرامیدن با آن ممکن است و میسر، یا چون جامه که تن آدمی را پوشانده و در نتیجه وسیله حفظ عورت بدن و عامل عفت و شرافت انسانی است زن و شوهر نیز، در ارضاء غریزه جنسی - که مستلزم مباشرت اندام‌های خارج و در حکم نوعی پوشش است ایشان را از اعمال منافی عفت چون: زنا و چشم‌چرانی بی‌نیاز و محفوظ می‌دارد و در واقع همان گونه که عورت آدمی وسیله جامه از دیگران پنهان، ولی از خود لباس مستور نیست، زن و شوهر نیز، هر کدام به نوبه خود یکدیگر را از آمیزش با دیگران مصون داشته ولی مانع از آرامیدن با خود نمی‌شوند و لذا، هر یک برای دیگری در حکم جامه‌ای است که به تن

پوشیده .

﴿علم الله انكم تخطون انفسكم﴾ .

خدای به دانست که شما عدم آمیزش را تاب و توان نداشتید، به خود خیانت می کنید. در تقلید از روش روزه داری پیشینیان چون یهود و نصاری که فرض اول آن است اگر مباشرت با زنان را در شب و روز حرام می کردیم در مخالفت با فرمان از حظّ و بهره خود می کاهید؛ چه فرمود:

﴿فتاب عليكم وعفا عنكم﴾ .

پس خدای بر شما برگشت و اجازه داد و سختی روا نداشت و از شما در گذشت .  
یعنی: آمیزش شب را با زنان حرام نکرد .

﴿فالآن باشروهن﴾ .

پس اینک، با زنان آمیزش کنید .

### [در بیان نسخ حکم قبلی صوم]

کلام در مقام جواز است که در شب های ماه مبارك رمضان آرמידن با زنان را اشکال و مانعی نیست و از اقدام به آن ارتکابِ خطائی صورت نگرفته و این حکم جواز چه مربوط به نسخ دستور پیشین باشد [که پس از بیداری خواب در هر وقت شب «ولو در سعه وقت» قبلا حق آمیزش با زنان نبود] که این فرض را احتمال بیشتری است و روایات مؤید همین معنا است .  
و یا تاکید و تحکیم در فرمان نخستین، چه امتناع و در نتیجه کاستن برخی کسان از حظّ و بهره خود در امر مباح [یعنی: مباشرت با زنان در شب] بر مبنای تقلید از یهود و یا نصاری، یا برداشت و پنداری ناصواب از جمله:

﴿کتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم﴾ (بقره (۲): ۱۸۳) . درست نبود و در هر صورت که باشد با این فرمان جواز آمیزش در شب پس از بیداری از خواب در سعه وقت قطعی گشت و آن گاه فرمود:

﴿وابتغوا ما كتب الله لكم﴾ .





و آنچه را که خداوند برای شما نوشته و مقرر فرموده جويا شويد. که عبارت است از وجود فرزندان.

### [اشاره به هدف مباشرت]

يعنى: در امر مباشرت هدف خود را ازدياد نسل قرار دهيد، که به آداب اسلامى و مکتب توحيد تربيت شوند، چنانچه بر حسب نقل رسول بزرگوار فرمود: ازدواج کنيد و فرزند آوريد، که همانا من مباحات کنم به شما نسبت به ساير اُمَم در روز قيامت ولو به سقط جنين.<sup>۱</sup>

و حديثى ديگر که فرمود: چه مانع است مؤمن را از اين که همسرى بگيرد، شايد خداوند او را روزى بنخشد نفوسى [فرزندانى] تا که گران و ارزشمند سازد زمين را به «لااله الاالله»<sup>۲</sup>

و احاديث درباره امر به ازدواج و چگونگى انتخاب همسر فراوان آمده است. بنا بر اين معنا جمله **﴿ما كتب الله﴾** که مراد داشتن فرزند است نوشته اى است تکوينى از جانب حق، که معلق بر ابتغاء و جويا شدن افراد است در امر نکاح و ازدواج. و اگر معنى تشريع در نظر آيد باز بر مبنای همان دستور و فرمان نخستين و جواز مباشرت در شب است به عنوان تاکيد و تحکيم، يعنى: فرمان خدا را بجوئيد و به کار

۱. وباسناد، عن علي بن رثاب، عن محمد بن مسلم أن أبا عبد الله عليه السلام قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: تزوجوا فإنني مكاثركم الأمم غدا في القيامة حتى أن السقط يجي محبطينا على باب الجنة فيقال له: ادخل الجنة فيقول: لا حتى يدخل أبواي الجنة قبلي، وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۱۴، ح [۲۴۸۹۹].

وقال النبي صلى الله عليه وآله: اتخذوا الأهل فإنه أرزق لكم. وقال: حبيب إلي من الدنيا النساء والطيب، وقرعة عيني في الصلاة. وأن التزويج من سنن المرسلين وقال: من سنتي التزويج، فمن رغب عن سنتي، فليس مني. وقال: من تزوج فقد أحرز نصف دينه، فليثق الله في النصف الباقي. وقال: تناكحوا تناسلوا، تكثروا، فإنني أباهي بكم الأمم يوم القيامة ولو بالسقط. وقال: المتزوج النائم أفضل عند الله من الصائم القائم العزب. ؛ مستدرک سفينة البحار، ج ۴، ص ۳۴۰.

۲. وباسناد عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما يمنع المؤمن أن يتخذ أهلا؟! لعل الله يرزقه نسمة تثقل الأرض بلا إله إلا الله. وسائل الشيعة كتاب النكاح، ج ۲۰-۲۱. وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۱۴، ح [۲۴۹۰۰].





بندید که به سود [شماست] و بر وفق این حلیت عمل کنید، چه همان طور که خداوند عمل به واجبات را دوست دارد عمل امور مباح را در امور مسلم دوست دارد. از طرفی برای جواز خوردن و آشامیدن پس از بیداری از خواب، قبل از طلوع فجر در شب رمضان، که از آن دو خودداری و امساک می شد - چه برابر حکم و دستور پیشین یا به اندیشه شخصی و یا تقلید، فرمان می رسد که:

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾  
(۱۸۷). بخورید و بیاشامید تا این که برای شما آشکار شود رشته سفید [روز] از سلك

سیاه [شب] که عبارت است از پدید آمدن روشنی بامدادان [صبح صادق].  
یعنی: همان هنگامی که روشنائی پگاه در آسمان افق را فرا گرفته و در سمت مشرق به صورت رشته ای پهن از دامن سیاه شب سر می زند و این رشته را دوام و افزایش روشنی و پهن است تا دمیدن خورشید؛ بنابراین در عبارت کلمه ﴿مِنَ الْفَجْرِ﴾ بیانی است از جمله ﴿الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ﴾.

در لسان روایتی از امام ابی جعفر ثانی علیه السلام است که فرمود:

«هو الخيط الأبيض المعترض ليس هو الأبيض الصعداء»<sup>۱</sup>.

«فجر» رشته سفید پهنی است نه سلك سفید عمودی، که در صورت اخیر فجر اول است و بامداد دروغین [صبح کاذب] که ظهورش پیش از صبح صادق و در آن هنگام افق تاریک و مظلّم است.

﴿ثُمَّ آتُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾ (۱۸۷).

سپس روزه را پایان برید تا به آغاز شب.

یعنی: از طلوع فجر و پیدایش صبح صادق دیگر باید از خوردن و آشامیدن خودداری نمود، تا شروع شب اذان مغرب.

۱. فکتب علیه السلام بخطه و قرأته: الفجر - یرحمک الله - هو الخيط الأبيض المعترض ليس هو الأبيض صعداء فلا تصل في سفر ولا حضر حتى تتبينه فإن الله تبارك وتعالى لم يجعل خلقه في شبهة من هذا فقال: ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾ فالخيط الأبيض هو المعترض الذي يحرم به الاكل والشرب في الصوم وكذلك هو الذي توجب به الصلاة. الكافي، ج ۳، ص ۲۸۲، ح ۱.





## ﴿ولا تبشروهنّ وأنتم عاكفون في المساجد﴾.

و با زنان میامیزید و حال آن که شما معتکف باشید در مساجد.

### [در بیان اعتکاف و برخی از احکام آن]

«عاکف و معتکف» به کسی گویند که به عنوان عبادت خود را چندی در جائی ملزم به اقامت کند، که از آنجا خارج نمی شود مگر به عنوان احتیاج و ضرورت و ضمن انجام سایر عبادات روزها را روزه می گیرد. بر چنین افرادی که در مسجد معتکف باشند آمیزش با زنان که برای سایر روزه داران در شب مباح است آنان را جوازی نیست.

## ﴿تلك حدود الله فلا تقربوها﴾.

این است مرزهای خداوند، پس به آنها نزدیک نشوید.

### [در بیان قرقگاه خداوند]

یعنی: از چهار چوب احکام و قوانین الهی که برای بندگان معین و مقرر فرموده، پافراتر ننهید و تجاوز و سرکشی نکنید.

تعبیر جمله: «نزدیک نشوید»، برای مبالغه و تاکید مطلب است چه در عرف هر زبان گاه این معنا برای شدت احتراز و عدم اقدام به چیزی آمده، مثلاً گویند: به فلان مورد یا فلان چیز نزدیک نشوید، که می رساند نه تنها باید اقدام و دست به آن نزد بلکه باید در اندیشه مبادرت عمل به آن هم نبود.

در حدیثی است: «لکلّ ملک حمیّ و إنّ حمی الله محارمه».

برای هر فرمانروا و زمامدار قرق گاهی است و قرقگاه خداوند محارم او است.<sup>۱</sup> بدیهی است رعایت مقام کبریائی و عظمت خداوند نیز، در نزدیک نشدن به محرمات موضوعه ی او است.

۱. وایضا روی النعمان بن بشیر قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: الحلال بین والحرام بین و بین ذلك أمور مشتهات لا یدری كثير من الناس أمن الحلال هي أم من الحرام، فمن تركها استبرأ لدينه وعرضه فقد سلم، ومن واقع شيئاً منها يوشك أن يواقع الحرام، كما أنه من يرعى حول الحمى يوشك أن يواقع، ألا وإن لكل ملك حمى، ألا وإن حمى الله محارمه. الخلف، ج ۳، صص ۱۲۶ - ۱۲۷، از مسئله: ۲۱۲.

﴿كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ﴾ (۱۸۷).

این چنین روشن بیان می کند خداوند آیات خود را برای مردم .  
که عبارت از اوامر و نواهی خداوندی است یا معارف و احکام و وعده و وعید .  
﴿لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ .



تا این که ایشان پرهیزند . و از ارتکاب گناه باز ایستاده ، سامان و مرز الهی را رعایت کرده و از حدود آن در نگذرند .

\*\*\*

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (۱۸۸).

اموال یکدیگر را در میان خود به گزاف و ناشایست مخورید و آن را به سوی داوران [به رشوت] نیفکنید تا این که بخشی از دارائی مردمان را به گناه صرف کنید ، در صورتی که شما می دانید [چه می کنید] .

**«ادلاء»** : یعنی انداختن ، افکندن ، رها ساختن ؛ که از ماده «دلی یدلی دلوًا» است «دلی الدلو» یعنی : دلورا در چاه بینداخت ، ﴿فادلی دلوه﴾ (یوسف ۱۲: ۱۹) نیز به همین معنا است و از افعال متعددی است که گاه مفعول صریح می گیرد . چون مثال فوق و گاه مفعول به واسطه مانند آیه مورد بحث ، در المنجد است که : «ادلی الیه بمال ای دفعه الیه» .  
در این آیه که اصل اجتماعی و حقوقی مطرح است :

[اشاره به مصرف بهینه دارایی]

نخست : این که مردم نباید دارائی و ثروت خود را در راه بیهوده و نادرست مصرف کنند ، در این فرمان پایه ریزی اصلی از اجتماع صورت گرفته ، که اگر افراد هر کشور و دستگاه حاکمه آن را محترم شمرده ، در میان جامعه ملحوظ نظر دارند ، عامل استحکام مبانی اقتصادی و اخلاقی و عدم تضييع مال و وقت و در نتیجه موجب پیشرفت امور مادی و معنوی خواهد بود . چه ، امّتی که توانست مال و ثروت خود را حافظ و نگهبان